

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران

حمید والهی* و سیدرضا احسان‌پور**

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۲/۲۱	تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۹/۱
------------------------	----------------------

هرچند تلاش فلاسفه و حقوق‌دانان غربی در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم در زمینه جلوگیری از اعمال مجازات‌های خشن و شدید، موجب پذیرش زندان به عنوان مجازاتی اصلی در اوایل قرن نوزدهم شد، اما دیری نپایید که استفاده بی‌رویه از زندان با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و ... باعث بروز انتقادهای شدیدی نسبت به این مجازات شد. به طوری که حتی موافقان آن را، دچار تردید و در نهایت، به واکنش واداشت. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفت، پیشنهاد استفاده از «جایگزین‌های مجازات حبس» و اجتناب از آن، مگر به عنوان «آخرین حربه» بوده است. مقاله حاضر، تلاشی است که به منظور تبیین جایگاه «جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن در نظام عدالت کیفری ایران» صورت پذیرفته است. در این مقاله ضمن معرفی و بررسی گونه‌های سنتی و نوین جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، ثابت می‌شود که مجازات‌های جایگزین حبس در حقیقت وسیله‌ای است برای استفاده از اقداماتی که می‌تواند روند اصلاح مجرمان را سرعت بخشد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود که اجرای موفقیت‌آمیز این تدابیر، نیازمند فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه است.

کلیدواژه‌ها: زندان، جایگزین‌های حبس، نظام عدالت کیفری، اصلاح، بازپروری

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری؛

Email: valehihamid@gmail.com

** استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (نویسنده مسئول)؛

Email: ehsanpour@gmail.com

مقدمه

همان‌گونه که می‌دانید در ابتدا زندان محلی بود که متهم را در آن نگهداری می‌کردند تا در روز محکمه در دادگاه حاضر کنند. معمولاً؛ زندان‌ها در زیر قلاع و یا قصرها بنا می‌شدند و جایی تاریک و ناسالم بودند به طوری که بیشتر زندانیان در زندان جان می‌باختند. روحانیون مسیحی اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خون‌ریزی، خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه کردند و تربیت و اصلاح زندانیان را خواستار شدند و از زندان‌ها بازدید به عمل آوردند. در سال ۸۱۷ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در روم، مقررات مربوط به اداره زندان‌ها تصویب شد و تأکید شد که زندان‌ها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشند. برای رسیدن به این هدف زندانیان باید به روش انفرادی نگهداری شده و به آنان کار دستی آموخته شود. به این ترتیب اولین زندان به روش انفرادی در روم بنا شد (مداح‌پور، ۱۳۸۶: ۳۲). زندان با گذشت زمان توسعه یافت تا این که از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی پذیرفته شد تا پایان سده بیستم که می‌خواهند به آن تنها با دید آخرین شیوه واکنش ضد بزهکاری بنگرند؛ سلب آزادی از محکومین رفته‌رفته خاصیت تریبی خود را از دست داده است. در حال حاضر هدف از محکوم کردن متهم به مجازات زندان نه اعمال رنج و عذاب بر وی، بلکه تضمین آرامش یا امنیت جامعه است (آنسل، ۱۳۷۵: ۹۰-۸۹).

شکی نیست که رویکرد جدید به مجازات با مکتب دفاع اجتماعی به صورت جدی آغاز شد. هرچند در ابتدا با عقاید و نظریاتی که گراماتیکا^۱ ارائه داد راه افراط را پیمود ولی خیلی زود با نظریات متعادلی که مارک آنسل^۲ ارائه داد، جای خود را در دنیای حقوق کیفری باز کرد. گراماتیکا آن قدر راه افراط را پیمود که خواهان حذف حقوق کیفری شد و همچنین خواهان جایگزینی کارشناسان علوم مختلف به جای قاضی شد و اعلام کرد به جای اینکه قاضی در مقام قضاوت بنشیند، نظریه کارشناسان جایگزین رأی قاضی شود اما این نظریات با مخالفت طرفداران خود روبه‌رو شد. مارک آنسل با ارائه نظریات خود توانست

1. Gramathica

2. Ansell

نگاه به مجرم و مجازات را متحول کند. نگاه اصلاحی و درمانی به کار کردهای مجازات بدون مخالفت با حقوق کیفری که مارک آنسل از آن طرفداری می‌کرد موجب طرح مقوله‌های جدید در حقوق کیفری شد. تشکیل پرونده شخصیت^۱ برای مجرمان، تدوین آیین دادرسی ویژه برای اطفال بزهکار، مبارزه با علل و عوامل وقوع جرم، حبس‌زدایی^۲، کیفرزدایی^۳، استفاده از جایگزین‌های حبس، فردی کردن قضای مجازات‌ها،^۴ نمادهای جدیدی بودند که به دنبال نظریات دفاع اجتماعی نوین^۵ وارد حقوق کیفری^۶ شدند.

در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم^۷، ولی پس از جنگ جهانی دوم، تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینه رعایت و احترام به حقوق بشر (همان: ۹۵-۸۷) به‌ویژه با صدور اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی (آشوری، ۱۳۸۲: ۷۱)، حق آزادی که پس از حق حیات اساسی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان باز تعریف شد. رواج یافتن حقوق شهروندی موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولت‌های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه همه شهروندان - از جمله حق حیات و حق آزادی - را به‌صورت کامل، هم در برابر مردمان متجاوز و هم در برابر کارگزاران حکومت، حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان - به‌ویژه حق آزادی - سلب آزادی از افراد را به‌عنوان یک استثنا و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سؤال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شد. بدین ترتیب مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را پذیرفت. نتایج مطالعات و آمارها نیز نشان دادند که حبس

1. Personality File

2. De-imprisonment

3. De-retribution

4. Judicial Individualization of Punishments

5. New Social Defence

6. Criminal Law

۷. برای آگاهی بیشتر از تاریخ تحولات نظام مجازات‌ها به‌ویژه مجازات حبس ر.ک: علی صفاری (۱۳۸۶).

چه از منظر فلسفه ارباب و بازدارندگی و چه از منظر فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده است (همان، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۶؛ معظمی، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۷؛ منصورآبادی، ۱۳۸۶: ۹۲). در عین حال، انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان از لحاظ اقتصادی، جرم‌شناسی و اجتماعی وارد شد.^۱ این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری^۲ آن پدید آمده بود، همه متفکران علوم جنایی را واداشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند.

در ایران، با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرایی بهتر و صحیح‌تر مجازات حبس، در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات (اصلاح،^۳ بازپروری^۴ و بازسازی^۵) ناموفق بوده است.^۶ به همین دلیل، در سال‌های اخیر تحت تأثیر تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد (حداقل قواعد لازم‌الرعایه در مورد رفتار با زندانیان، قواعد توکیو، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰)^۷ و تجربه موفق کشورهای دیگر و نیز به دلیل ناکارآمدی برنامه‌های اصلاح و درمان در ایران^۸ و به‌ویژه نگرش رئیس سابق قوه قضائیه به

۱. برای تفصیل درباره عوامل عملی ناکارآمدی مجازات حبس: ر.ک: علی حسین نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۴). *کیفرهای جامعه‌مدار، دیباچه در کیفرشناسی؛ بولک برنار، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ص ۳ و حسن حاجی تبار فیروزجانی (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۵۴-۳۹.*
 ۲. برای اطلاع بیشتر از مبانی نظری جایگزین‌های حبس: ر.ک: علی صفاری (نیمسال اول ۸۶-۸۵). «تقریرات کیفرشناسی»، دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ص ۵۱-۳۲ و نیز: حسن حاجی تبار فیروزجانی (۱۳۸۶). *جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۷۲-۵۵.*

3. Reformation
4. Rehabilitation
5. Re-compatibility

۶. ماده (۳) آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴. درخصوص علل عدم موفقیت مجازات زندان در اصلاح و بازپروری به‌عنوان نمونه ر.ک: عباس منصورآبادی (۱۳۸۶). «زندان: راه‌حل یا مشکل»، مجموعه مقالات *راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، نشر میزان، ص ۹۲؛ شهلا معظمی (۱۳۸۶). «جان‌نشین‌های مجازات زندان برای زنان»، مجموعه مقالات *راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، نشر میزان، ص ۶۸.

7. United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures (The Tokyo Rules, December 1990, 14th)

۸. برای نمونه ر.ک: علی صفاری (۱۳۸۴). «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، مجموعه مقالات *علوم جنایی*، ج ۲، تهران، انتشارات سلسبیل، ص ۱۴۴ (پاورقی)؛ محمدرضا گودرزی (۱۳۸۲). «نارسایی‌های زندان»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۰۹.

مسئله زندان در فقه (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۲)، کوشش‌هایی به‌منظور محدود کردن موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات‌ها در چارچوب سیاست حبس‌زدایی صورت گرفته است. بدین ترتیب، جهت حرکت چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، به سمت محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا در برخی موارد، اعمال مجازات حبس امری گریزناپذیر به‌نظر می‌رسد. به همین دلیل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی چنین مجازات‌هایی فقط برای دسته خاصی از جرائم که مجازات حبس‌شان تا میزان خاص و معینی باشد، برای دادگاه به‌طور الزامی یا اختیاری مجاز شمرده شده است.

در این مقاله، ضمن بررسی انواع جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، به ابهامات و اشکالات موجود در قوانین و مقررات موضوعه ایران درخصوص جایگزین‌های حبس و راه‌حل آنها پرداخته می‌شود. در همین راستا، مطالب در دو قسمت «گونه‌های سنتی جایگزین» و «گونه‌های نوین جایگزین حبس» بررسی می‌شوند.

۱. جایگزین‌های مجازات زندان

با توجه به انتقادهای گسترده به آثار منفی زندان، از جمله: الف) نامناسب بودن و جرم‌زا بودن محیط آن، ب) عدم رعایت دسته‌بندی دقیق زندانیان با توجه به نوع جرم، سابقه آنها، وضع خانوادگی و شرایط ارتکاب جرم عمدی یا غیرعمدی، ج) ایجاد مشکلات مالی و اقتصادی که با حبس مجرم به وجود می‌آید، د) ایجاد مشکلات اجتماعی و خانوادگی لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، در بهار ۱۳۸۴ برای طرح و تصویب به مجلس شورای اسلامی سپرده و کلیات آن با عنوان «لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» به تصویب رسید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). اما در نهایت با تغییرات چشمگیری با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» به فصل نهم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی انتقال داده شد. مجازات اجتماعی «واکنش رنج‌آوری است که در قبال جرم و به موجب قانون، نسبت به مجرم اعمال می‌گردد و مستلزم محدودیت آزادی و نظارت است». پرکاربردترین مصادیق مجازات‌های

اجتماعی عبارت‌اند از: تعلیق مراقبتی فشرده،^۱ خدمات اجتماعی (کار عام‌المنفعه)،^۲ نظارت الکترونیکی،^۳ ممنوعیت خروج از منزل (حبس خانگی)^۴ ممنوعیت رفت و آمد و الزام به حضور در مراکز آموزشی روزانه (ریاحی، ۱۳۹۲: ۳۸). منظور از مجازات‌های جایگزین حبس، مجموعه‌ای از واکنش‌های جزایی است که می‌توانند جایگزین مجازات حبس شوند. در برخی تعابیر مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس به نحو مترادف و به جای یکدیگر استعمال شده‌اند. با این وجود، این کاربرد از انطباق این دو حکایت نمی‌کند؛ زیرا مجازات اجتماعی صرفاً شامل واکنش محدودکننده آزادی می‌شود؛ اما مجازات جایگزین حبس، علاوه بر آن شامل مجازاتی می‌شود که مستلزم نظارت و محدودیت آزادی نیست (همان: ۴۲). در نظر دکتر محمد آشوری مجازات‌های جایگزین حبس اغلب جایگزین حبس‌های جرائم خرد و کم‌اهمیت به‌شمار می‌رود؛ حبس‌هایی که مضار آن بیشتر از فواید آن است و جرائمی که با وجود خسارت‌هایی که به بزه‌دیدگان وارد می‌کند، در زمره جرائم پرخطر نیستند.^۵

۱-۱. گونه‌های سنتی جایگزین حبس

منظور از گونه‌های سنتی جایگزین حبس در این مقاله، آن دسته از تدابیری هستند که از بدو قانونگذاری در نظام عدالت کیفری ایران به‌منظور کاهش جمعیت کیفری زندان و اجتناب از آثار زیان‌بار آن پیش‌بینی شده‌اند و هم‌اکنون نیز از اعتبار قانونی برخوردارند. اینها عبارت‌اند از: جزای نقدی،^۶ تعلیق اجرای مجازات^۷ و آزادی مشروط.^۸

جزای نقدی به‌عنوان یک گزینه واقعی از گونه‌های سنتی جایگزین کیفر حبس در معنی اخص آن است. نکته قابل بحث در این قسمت بر سر دو گزینه آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات (حبس) است مبنی بر اینکه آیا این دو را می‌توان واقعاً از تدابیر

1. Compact Probation

2. Public Work Utility

3. Electronic Supervision

4. House Arrest

۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمد آشوری (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش.

6. Cash Punishment or Punishment, Pecuniary

7. Suspension of Punishment Execution

8. Parole

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۵۳

جایگزین مجازات زندان در معنی حقیقی کلمه به حساب آورد یا خیر؟ به نظر می‌رسد اگر چه این دو تدبیر را نمی‌توان از گونه‌های واقعی جایگزین مجازات زندان (به‌عنوان کیفر مستقل) به حساب آورد، ولی می‌توان جزء راه‌حل‌های جایگزین در معنای عام تلقی کرد؛ زیرا اکثر حقوقدانان (پرادل، ۱۳۸۱: ۱۳۴-۱۳۲) و نیز شورای اروپا طی نشست‌های در سال ۱۹۸۵ در باب جایگزین‌های اقدام سالب آزادی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۳۸۴-۳۸۰)، سه‌گونه برداشت و طبقه‌بندی را از راه‌حل‌های جایگزین حبس به‌عمل آوردند که دسته سوم از آنها شامل تدابیری می‌شوند که هدف آنها اجتناب از اجرای حکم مجازات حبس است که تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط از زمره این تدابیر است. به همین دلیل، با کمی تسامح می‌توان اینها را از زمره تدابیر جایگزین زندان در معنی موسع (به‌دلیل نقش تعدیل‌کنندگی آزادی مشروط در مرحله اجرای مجازات حبس و نیز عدم اجرا و اعمال آن به خاطر تعلیق اجرای مجازات) تلقی کرد، اگر چه جزء تدابیر جایگزین حبس به‌عنوان کیفر مستقل و در معنای واقعی آن به حساب نمی‌آیند؛ زیرا در هر دو مورد محکومیت به حبس تا پایان مدت آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات به قوت خود باقی است.

۱-۱-۱. آزادی مشروط

آزادی مشروط نوعی فردی کردن نیمه قضایی، نیمه اجرایی است که توسط مقامات قضایی و اجرایی مشترکاً اعمال می‌شود (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۴۰) و ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادر کننده حکم به محکوم اعطا شده و نمایانگر توجه خاص قانونگذار به اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی اوست.

آزادی مشروط عبارت است از: «آزادی موقت محکوم به حبسی که مدتی از دوره محکومیت خود را طی کرده و با شرایط پیش‌بینی شده توسط قانون قابلیت آزادی بقیه مدت مجازات را به دست آورده است که در صورت اجرای شرایط آزادی او قطعی والا محکومیت به‌طور کامل اجرا می‌گردد» (نوربها، ۱۳۷۷: ۴۲).

در پاسخ به این سؤال که «آیا آزادی مشروط را می‌توان از تدابیر جایگزین حبس

به حساب آورد یا خیر؟» باید گفت نظر غالب^۱ این است که آزادی مشروط را می‌توان به عنوان برنامه‌های جایگزین مجازات حبس در مفهوم موسع آن تلقی کرد؛ البته در صورتی که همراه با نظارت باشد. در غیر این صورت، اطلاق وصف جایگزین به آن تا حدودی با اشکال مواجه خواهد شد.

قلمرو آزادی مشروط مطابق ماده (۵۸) قانون مجازات اسلامی تنها به مجازات حبس تعزیری منحصر است. حبس‌های تعزیری طیف گسترده‌ای از حبس‌های موقت و حبس ابد را شامل می‌شود. قید حبس تعزیری در ماده (۵۸)، حبس‌های دیگر را از شمول این ماده خارج می‌کند. بر این اساس، حبس‌های ذیل مشمول مقررات آزادی مشروط قرار نمی‌گیرند: حبس موضوع ماده (۲۴) قانون مجازات اسلامی، حبس حدی موضوع ماده (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی، حبس موضوع ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ با اصلاحات بعدی و مجازات حبس محارب که به مجازات نفی بلد محکوم شده است و طبق رویه قضایی (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۷) باید این مدت را در حبس سپری کند و همچنین حبس در تبعید که مجازات حدی محسوب می‌شود.

این مسئله که اگر کسی برای اولین بار محکوم به حبس ابد شود، آیا می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند یا خیر، از جمله موضوعاتی است که در قانون مجازات اسلامی مسکوت واقع شده است. براساس نظر برخی از حقوق‌دانان، با توجه به سکوت قانون و عدم نسخ این قسمت از ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷، محکومان به حبس ابد پس از گذراندن ۱۲ سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده کنند (کارمزدی، ۱۳۷۶: ۳۶؛ اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۵۱). در مقابل اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریات متعدد اعلام کرده است که حبس دائم، حتی پس از عفو و تقلیل مجازات از شمول آزادی مشروط خارج است (نظریات ۷/۱۴۴۵ - ۷/۲۵ و ۱۳۷۲/۷/۱۳۷۶ و ۷/۵۰۷۶ - ۱۳۷۸/۸/۹ و ۷/۳۲۰۹ - ۱۳۷۸/۵/۱۱)، (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۷۷). در نهایت به نظر می‌رسد سکوت قانونگذار در مواد (۵۸) الی (۶۳) قانون مجازات اسلامی و جانشین کردن

۱. برای دیدن نظر مخالف و موافق، ر.ک: عطاءالله قنبری (۱۳۷۶). «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق ایران و

انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۴-۲۳.

این مواد به جای قانون ۱۳۳۷ و لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و همچنین نظریات متعدد صادر شده از سوی اداره حقوقی دلالت بر این دارد که در وضعیت کنونی محکومان به حبس ابد حق استفاده از آزادی مشروط را ندارند؛ زیرا حبس ابد مادام‌العمر بوده و مقید به مدت معینی نیست و لذا نمی‌توان نصف آن را تعیین کرد. بنابراین در مورد محکومان به حبس ابد آزادی مشروط متصور نمی‌باشد، مگر اینکه قانونگذار به‌طور صریح بیان کند.

این مسئله، نداشتن سابقه استفاده از آزادی مشروط به‌عنوان یکی از شروط اعطای آن ایراداتی را در پی دارد؛ زیرا با این شرط معلوم نیست کسی که سابقاً یک بار از امتیاز آزادی مشروط برخوردار شده و سربلند از این آزمون بیرون آمده است با کسی که برای نخستین بار از این امتیاز منتفع می‌شود چیست؟ مگر آنکه بگوییم کسی که دارای سابقه محکومیت به حبس است و از فرصت آزادی مشروط استفاده کرده است دگر بار شایستگی برخوردار از این امتیاز را ندارد. در پاسخ باید گفت درست است که محکومیت به مجازات حبس اگر نبود آزادی مشروط معنی نداشت، لیکن شرط استفاده از آزادی مشروط همان حسن اخلاق و سلوک و بروز نشانه‌های اصلاح‌پذیری در دوران حبس است. بنابراین اگر سایر شروط اعطای آزادی مشروط تحقق یابد این تبعیض بی‌معناست، به‌ویژه اگر کسی به مجازات حبس محکوم شده باشد، ولی به هر دلیل از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد و حکم محکومیت به حبس تماماً به اجرا درآمده باشد، در محکومیت پسین به مجازات حبس، می‌تواند با اجتماع سایر شرایط، از این مزایا بهره‌مند شود، حتی اگر به تکرار جرم متهم باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

عدم پیش‌بینی تدابیر نظارتی و کنترلی و نهاد یا مؤسسه متصدی آن طی آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ یکی از ایرادات وارده بر موضوع آزادی مشروط بود که خوشبختانه قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این تدابیر را مقرر کرد چرا که چنین تدابیری می‌تواند نقش بسزایی در کاهش تکرار جرم داشته باشد؛ زیرا که یکی از فلسفه‌های آزادی مشروط، اصلاح و درمان و بازسازگاری اجتماعی مجرم و در نتیجه، جلوگیری از تکرار جرم او است. اما ایرادی که در این زمینه وجود دارد

این است که قانونگذار دادگاه را در اجرای تدابیر نظارتی در این مورد نسبت به محکوم برخلاف تعویق صدور حکم^۱ و تعلیق اجرای مجازات معیر کرده است. آنچه در اصلاح و بازسازی مجرم مهم به نظر می‌رسد، تحت نظارت بودن آنها در هنگام آزادی و فراهم ساختن امکانات و تسهیلات مورد نیاز برای اصلاح و بازسازی است. در غیر این صورت، رسالت و هدف آزادی مشروط ناتمام باقی خواهد ماند. وانگهی، از آنجاکه متصدی کنترل و نظارت مسئول و نماینده جامعه است، باید نقض این شرایط و دستورها از سوی مجرم در حین آزادی را جدی تلقی کرد چون در غیر این صورت، آزادی مشروط بی‌فایده خواهد بود.

بنابراین، در صورتی می‌توان آزادی مشروط را در نظام کیفری ایران جزء برنامه‌ها و راهکارهای جایگزین حبس در کنار تدابیری همچون تعلیق مراقبتی به حساب آورد که همراه با انجام دستورهای تعیین شده از سوی دادگاه توسط مجرم و نظارت بر او و اجرای دقیق آن دستورها توسط یک نهاد نظارتی و مراقبتی باشد. نظارت و مراقبت چه به واسطه ابزار و وسایلی صورت گیرد و یا به نحو مستقیم اعمال شود می‌تواند از ناحیه شهروندان بر دیگران باشد یا از طریق حاکمیت بر شهروندان صورت پذیرد. در ارتباط با نظارت و مراقبت شهروندان باید بیان کرد که با مشارکت و همکاری مردم و نهادهای مدنی در اجتماع می‌توان از ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در اجتماع برای اجتماع‌پذیر ساختن مجرمان و نهادینه کردن هرچه بهتر ارزش‌های اجتماعی در آنان بهره‌جست و به این ترتیب همگام با کاستن از تراکم کاری خود به نوعی مسئولیت اجتماعی را به شهروندان آموزش داد. برای نمونه در نهاد خدمات عمومی، اجتماع و مؤسسه‌های غیردولتی مانند: شهرداری‌ها و نهادهای ارائه‌کننده خدمات عمومی، با پذیرش محکوم‌علیه و ارائه فرصت‌های کاری در اجرای این نظارت و مراقبت یاری می‌رسانند و حتی ممکن است نظارت بر رفتار محکوم‌علیه برای پیشگیری از تکرار جرم و گزارش موارد تخلف برعهده یکی از نزدیکان و خویشاوندان مورد اعتماد وی گذاشته شود که این امر ضمن آموزش و اصلاح مجرم و حضور در اجتماع باعث آموزش سایر شهروندان نیز می‌شود و همچنین باعث ایجاد تلقی و

برداشت مثبت از قانون، آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم، رفع موانع جامعه‌پذیری، پرکردن خلأهای تربیتی، فرهنگ‌سازی و به‌طور کلی اصلاح و درمان باشد. در همین راستا قانونگذار تدابیر و دستوراتی را در مواد (۴۲ و ۴۳) قانون مجازات اسلامی در مبحث تعویق مراقبتی مقرر کرده که در تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط نیز اعمال می‌شود، نکته قابل توجه در ماده (۴۲) تأکید بر حضور و دخالت مددکار اجتماعی در مرحله پس از صدور قرار تعویق صدور حکم است که این حضور، در کنار مرتکبین پس از حضور دوباره آنان در جامعه برای یاری‌شان در مسیر اصلاح در کشورهای پیشرفته سابقه‌ای طولانی دارد. نکته دیگر اینکه دستگاه قضایی باید تعدادی مددکار اجتماعی کارآزموده به خدمت بگیرد تا هر کدام با سرپرستی تعداد معینی از مرتکبین که از نهاد تعویق صدور حکم یا سایر نهادهایی مثل تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط بهره‌مند شده‌اند آنها را مسیر باز اجتماعی شدن همراهی کنند.

مورد دیگر در این راستا (مداخله نزدیکان، شهروندان و نهادهای خصوصی در نظارت و مراقبت از مرتکبین جرم) دستورات مندرج در ماده (۴۳) است. مصادیقی چند از این دستورات: ۱. درمان بیماری یا ترک اعتیاد، ۲. پرداخت یا نفقه افراد واجب‌النفقه، ۳. حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، ۴. گذراندن دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی با شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی. نوع دوم نظارت یعنی مراقبت و نظارت قوای حاکمه بر رفتار و کردار شهروندان است، امری که می‌تواند به‌واسطه فناوری‌های پیشرفته به‌طور عملی و گسترده تحقق پیدا کند. مصداق این نوع نظارت، مراقبت الکترونیکی است که بیشتر ناظر به ابزار مورد استفاده جهت کنترل و مراقبت از بزهکاران و محکومان است که به‌منظور پرهیز از آثار زیان‌بار زندان بر روی مرتکبان جرائم نسبتاً کم اهمیت اعمال می‌شود. به‌طور قطع تبیین مفهومی نظارت الکترونیکی مستلزم شناخت انواع و گونه‌های مختلف و شناخت کاربرد هریک از آنهاست. نظارت الکترونیکی می‌تواند از طریق ابزار و وسایل مختلفی صورت پذیرد که با عنایت به حوزه‌های مختلف حریم خصوصی، به‌کارگیری هریک از این ابزارها می‌تواند تهدید بالقوه‌ای برای نقض حریم خصوصی اشخاص به‌حساب آید. به‌هر حال می‌توان این ابزارها را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) وسایل الکترونیکی برای رهگیری اطلاعات اشخاص مانند: شنود مطالعات تلفنی،
 ب) وسایل الکترونیکی به منظور ضبط صوت و تصویر اشخاص،
 ج) وسایل الکترونیکی به منظور تعیین محل و موقعیت مکانی شخص.

که از میان گونه‌های مذکور، ابزار نوع اول و دوم عمدتاً با هدف پیشگیری از وقوع جرم و کشف جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد شنود مطالعات شایع‌ترین راهبرد در استفاده از ابزار نوع اول و دوم به‌شمار می‌رود. لذا در اینجا لازم است اشاره شود که معنای شنود مکالمات علاوه بر مفهوم سنتی خود که معادل استراق‌سمع یا همان گوش فرا دادن پنهانی به سخنان دیگری می‌باشد، در حال حاضر با توسعه فناوری‌های ارتباطی حیطه فراتری یافته و شامل بسیاری از محتواهای در حال انتقال و حتی ذخیره شده رایانه‌ای از قبیل پیامک‌ها و یا نامه‌های الکترونیکی نیز می‌شود. بنابراین باید در کاربرد اصطلاح شنود به این مصادیق توجه داشت. لازم به ذکر است این مفهوم موسع از اصطلاح شنود در قوانین نیز وارد شده است. قانونگذار در ماده (۴۸) قانون جرائم رایانه‌ای و تبصره آن این امر را مقرر کرده است. بالاخره نوع سوم این ابزار که به لحاظ فناوری نوع جدیدتری به‌شمار می‌رود، برای نظارت و مراقبت‌هایی به کار می‌رود که به منظور جایگزینی برای مجازات حبس یا یک قرار تأمینی در مرحله بازپرسی صورت می‌گیرد (عظیمی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۵-۱۸۳).

۲-۱-۱. تعلیق اجرای مجازات

اندیشه تعلیق اجرای مجازات ابتکاری غربی است که در یک سده اخیر به تدریج به نظام‌های کیفری کشورهای جهان راه یافته است که محکوم‌علیه به موجب آن از اجرای کیفر به‌ویژه کیفر حبس و شرایط نامناسب آن رهایی می‌یابد (اردیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). درحقیقت اجتناب از زندان انگیزه اصلی سیاست جایگزینی از طریق تعلیق اجرای مجازات حبس است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۳) در کشور ما نیز اولین بار این اندیشه در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ متجلی شد، سپس تعلیق اجرای مجازات بعد از سال ۱۳۰۴، افزون‌بر مجازات حبس در ضمن اصلاحات متعدد قوانین موضوعه به جزای نقدی تسری یافت و سرانجام با وضع قانون مجازات اسلامی یکی از بنیادهای حقوق کیفری در اجرای

محکومیت‌های تعزیری شناخته شد. این تأسیس در حال حاضر یکی از ابزارهای قضایی سیاست فردی کردن مجازات‌هاست^۱ (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). در بدو امر، آنچه که بیش از هر عامل اجتماعی دیگری زمینه را برای گسترش اندیشه تعلیق فراهم ساخت محیط ناسالم زندان‌ها و دور نگهداشتن زندانیان به‌خصوص محکومان بدوی از آثار سوء معاشرت با بزهکاران سابقه‌دار بود (صانعی، ۱۳۸۲: ۸۰۱). به تدریج تعلیق اجرای مجازات جایگزین مناسبی برای حبس‌های کوتاه‌مدت^۲ به‌شمار آمد. چرا که، زندان‌های کوتاه‌مدت نه تنها محکوم‌علیه را در معرض همه‌گونه فساد زندان قرار می‌داد، بلکه به دلیل کوتاه‌مدت، اثر مفید تربیتی نیز نداشت (اردبیلی، ۱۳۷۲-۱۳۷۱: ۲۸۷). تعلیق وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت نسبت به همه محکومان اصلاح‌پذیر و فاقد محکومیت مؤثر که در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها^۳ و اعمال آن به دادگاه محول شده است (ولیدی، ۱۳۷۹: ۷).

در قانون مجازات اسلامی تعریفی از تعلیق اجرای مجازات دیده نمی‌شود. اما با توجه به‌عنوان و موادی که به این موضوع اختصاص داده شده است می‌توان آن را چنین تعریف کرد: تعلیق اجرای مجازات عبارت است از متوقف ساختن مجازات کسی که به مجازات تعزیری محکوم شده است تا اگر چنانچه در مدت معینی پس از آن مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه در این مدت تبعیت کند، محکومیت او کان لم یکن تلقی شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). نهاد تعلیق اجرای مجازات مانند هر تأسیس حقوقی دیگر برای تحقق بخشیدن به اهداف خاصی، قانونگذاری شده است که مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از: ۱. جرم‌زا بودن محیط زندان و جلوگیری از تأثیر سوء مصاحبت مجرم با زندانیان سابقه‌دار (پورقهرمانی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۱)، ۲. اصلاح و بازاجتماعی کردن محکوم‌علیه (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۶۰)، ۳. صرفه‌جویی در هزینه‌های زندان (هفته‌نامه *پیک زندان*، ۱۳۸۱: ۱۳۶)، ۴. استفاده جامعه از کار و فعالیت مجرمین، جلوگیری از ایجاد انقطاع شغلی و خانوادگی مجرم (ولیدی، ۱۳۷۹: ۹)، ۵. جلوگیری از ایجاد انقطاع شغلی و خانوادگی مجرم (اردبیلی،

1. Individual of Punishment

2. Short-term Imprisonment

3. Individualization of Punishment

بی تا: ۱۸)، ۶. جلوگیری از تکرار جرم (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۲۶)، ۷. جلوگیری از تورم جمعیت کیفری (همان: ۱۳۸).

تعلیق علی‌الخصوص تعلیق مراقبتی یکی از مهم‌ترین نهادهای جانشین مجازات زندان است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرائم و شمار زندانیان است (کواشی هامایی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱). این تأسیس حقوقی عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مددکاران اجتماعی به جای کیفر در زندان، در مدت معینی به منظور آماده ساختن او برای بازگشت به زندگی اجتماعی (ولیدی، ۱۳۷۹: ۱۰). در تعلیق مراقبتی محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می‌شود که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است. به علاوه جامعه نیز از عمل بزهکاران تعلیقی معاف می‌شود و در مقابل با موجبات حبس بزهکاران حرفه‌ای و خطرناک، جامعه از شر این قبیل بزهکاران مصون می‌ماند (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۶۰). از تعلیق تعریف روشنی در نظام یا نظام‌های مختلف کیفری ارائه نشده است ولی زمانی می‌توان تعلیق مراقبتی را به نهادی اطلاق کرد که متضمن ویژگی‌های زیر باشد: داشتن سازمان مستقل در چارچوب یک نظام کیفری، قضایی بودن ماهیت و ظایف آن، اقتدار قانونی، اعمال سرپرستی و نظارت بر مجرم و بالاخره آماده‌سازی مجرم به منظور بازگشت به جامعه و تطبیق با آن (کواشی هامایی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱).

از تعلیق مراقبتی تعریف کاملاً دقیقی ارائه شده است ولی این تعریف شاید جامع همه نظام‌های دنیا نباشد، چنانکه با نظام‌های جهان توسعه یافته ناهمگون است: تعلیق مراقبتی، یک روش مجازات با مبانی جامعه‌شناختی - تربیتی است که با ترکیبی از سرپرستی و مساعدت مشخص می‌شود. این روش در نظام آزاد، در مورد مجرمینی اعمال می‌گردد که انتخاب آنها برحسب شخصیت جرم‌شناختی و جرم‌پذیری آنها بوده است. این افراد در ارتباط با نظامی قرار می‌گیرند که هدفش فراهم آوردن فرصت اصلاح برای مجرم و رهیافتی برای زندگی او در جامعه و یافتن جایگاهش در محیط اجتماعی است، بدون آنکه خطر تجاوز مجدد به هنجارهای جزایی وجود داشته باشد (همان: ۱۵-۱۴). همچنین سازمان ملل در تعریفی که حدود نیم قرن پیش ارائه داده است می‌گوید: تعلیق مراقبتی، روش

برخورد با مجرمینی است که به نحو خاصی انتخاب می‌شوند و عبارت است از معلق کردن مشروط مجازات مجرم، در طول مدت زمانی که تحت نظارت شخصی قرار می‌گیرد و به صورت فردی ارشاد یا درمان می‌شود (همان: ۱۵).

۱-۲-۱. انتقادهای وارده بر تعلیق اجرای مجازات در حقوق کیفری ایران

۱. ماده (۴۶) قانون مجازات اسلامی برخلاف قانون راجع به مجازات اسلامی که اجرای تمام مجازات را قابل تعلیق می‌دانست مقرر می‌دارد: «حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را معلق نماید». درخصوص تعلیق قسمتی از مجازات، به باور برخی از حقوق‌دانان (اردبیلی، ۱۳۷۲-۱۳۷۱: ۲۸۷)، «با اجرای قسمتی از مجازات این احساس را در مجرم به وجود آورده‌ایم که تاوان عمل خود را پرداخته است و دیگر مدیون جامعه نیست». تعلیق قسمتی از مجازات، به‌ویژه کیفر حبس، درحقیقت با مبانی و اهداف تعلیق مغایرت دارد، زیرا یکی از مبانی تعلیق مجازات ایجاد انگیزه راستکاری در محکوم‌علیه و تقویت روحیه ستیزندگی او با خواهش‌ها و شهوات نفس است که البته ترس از اجرای کیفر در شکل‌گیری این رفتار چندان بی‌تأثیر نیست. ولی وقتی قسمتی از مجازات به اجرا در آمد و محکوم‌علیه تلخی و سختی مجازات را چشید، یعنی فرصت اصلاح از او دریغ و این اطمینان از او سلب شد دیگر بحث از آثار تربیتی تعلیق بیهوده است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۸-۲۱۷)، ولی احتمال تحقق مقاصد تربیتی در تعلیق تمام مجازات به‌ویژه وقتی که با مراقبت توأم باشد به‌مراتب بیشتر از تعلیق قسمتی از مجازات است، و اینکه نه تنها از نقش تعلیق به‌عنوان جایگزین حبس می‌کاهد بلکه بر احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عموم نسبت به دستگاه قضایی می‌افزاید.

۲. همچنین در این باره نه تنها تعلیق قسمتی از کیفر مطلقاً با منطق تعلیق هماهنگی ندارد بلکه قانونگذار مشخص نکرده است که اگر قسمتی از مجازات اجرا و بقیه معلق شود آیا قسمت اجرا شده باید در شناسنامه محکوم قید گردد یا خیر و آیا در صورت ارتکاب جرم در دوران تعلیق، آن قسمت اجرا شده را باید به‌عنوان اجرای کامل حکم در نظر گرفت و مقررات تکرار جرم^۱ را اعمال کرد یا نه؟ (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۶۴).

۳. درخصوص عدم شمول تعلیق نسبت به برخی از جرائم که قانونگذار هم در قانون سابق

مجازات اسلامی در ماده (۳۰) و هم در قانون لاحق در ماده (۴۷) به آن پرداخته، دکتر اردبیلی معتقد است که: «عدم شمول تعلیق به بعضی از مجازات‌های تعزیری دلیل موجهی ندارد. به فرض، شدت و وخامت بعضی از جرائم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق گروهی از بزهکاران گردد که همانند دیگران در معرض همان زیان‌های ناشی از اجرای مجازات‌ها خواهند بود»^۱ (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۷). اساس و غایت تعلیق، اصلاح بزهکاران و پیشگیری از حوادث احتمالی آتی است. تفاوتی نمی‌کند که بزهکار مرتکب چه جرمی شده است. مهم نوع مجازات و پیامدهای ناگواری است که قرار است با تعلیق اجرای مجازات از بروز آن جلوگیری شود. ماده (۴۶) قانون صدرالذکر تنها تعلیق اجرای مجازات جرائم تعزیری درجه سه تا هشت را به دادگاه اجازه داده است. مورد دیگر در این راستا، آن است که در فهرست جرائمی که قانونگذار تعلیق اجرای مجازات آنها را منع کرده، شروع به جرم این جرائم هم به چشم می‌خورد. مجازات شروع به جرم این جرائم، حسب نوع جرم، یا حبس تعزیری درجه چهار یا پنج یا شش و یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش است؛ یعنی مجازات‌هایی در محدوده مجاز تعلیق. دلیلی ندارد که این مجازات‌ها با شروطی که در قانون تصریح شده و اختیاری که به دادگاه تفویض گردیده است از شمول مقررات تعلیق خارج باشند (همان). ضمناً در خصوص عدم شمول تعلیق، در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ماده (۷۲۸) مقرر شده بود که ماده مرقوم توسط ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ منسوخ شد.

۴. یکی دیگر از مسائل تعلیق اجرای مجازات در نظام کنونی این است که تعلیق اجرای مجازات تأثیری در حقوق مدعیان خصوصی و تأدیه ضرر و زیان ناشی از جرم نخواهد داشت (همان: ۲۲۳). به فرض صدور حکم تعلیق مجازات، امتناع محکوم‌علیه از رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد حکم، در صورت تقاضای محکوم‌علیه دادگاه با فروش اموال محکوم‌علیه به جز مستثنیات دین، حکم را اجرا یا تا استیفا، حقوق محکوم‌له، محکوم‌علیه را بازداشت خواهد کرد و این بازداشت تا صدور

۱. برای دیدن نظر مخالف ر.ک: محمدابراهیم شمس ناتری (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ج

۱، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ص ۱۵۱.

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۶۳

حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط ادامه خواهد داشت (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۶۱). چراکه شرط ورود خسارت و نحوه مطالبه و پرداخت آن و بالاخره انصراف از حق خود تابع احکام جداگانه است که عموماً تأثیری بر حقوق عمومی و کیفیت استیفا و مصلحت اسقاط آن نخواهد داشت. از این رو، در هر صورت، حکم پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجرا می‌شود و اینکه مقرره‌های ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی همگی مبتنی بر اصل ضرر هستند به این معنی که در نظر گرفتن ارفاق برای مجرم با هدف بازسازی و اصلاح او، نباید دلیلی بر ضایع شدن حق مدعی خصوصی برای دریافت ضرر و زیان وارد شده به وی شود (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۶۱). بنابراین برای رفع یا کاهش این ایراد می‌توان گفت که در هر صورت، حکم به پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجرا خواهد شد زیرا، امر کیفی از حقوق عامه است و ارتباطی با حقوق اشخاص ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۳). ایرادی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورت پذیرش تقدم پرداخت خسارت مدعی خصوصی بر تعلیق، اولاً: قانونگذار مهلتی را برای پرداخت خسارت مدعی خصوصی مشخص نکرده است. به این ترتیب، سرنوشت تعلیق اجرای مجازات مبهم می‌ماند و معلوم نیست که آیا باید تا زمان صدور حکم اعسار^۱ منتظر ماند؟ ثانیاً: در صورتی که محکوم علیه طبق ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی تا استیفای حقوق محکوم له در بازداشت به سر برسد، تعلیق ناکارآمد خواهد شد؛ به‌ویژه هنگامی که قاضی با توجه به شرایط مندرج در قانون و با هدف پرهیز از اجرای مجازات حبس، تعلیق آن را مناسب تشخیص دهد.

یکی از نقاط ضعف مقررات مربوط به تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ این بود که هیچ‌گونه کنترل و نظارتی بر اجرای دستورهای دادگاه در ماده (۲۹) قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نشده بود (جز در مورد بند «۱» مربوط به معرفی خود به دادستان یا شخص یا مقامی که او معرفی می‌کند) و همین امر موجب عدم صدور احکام تعلیقی از سوی برخی محاکم می‌شد چرا که بر این اعتقاد بودند، فقدان کنترل و نظارت بر محکومان تعلیقی، چنین نهادی را فاقد جنبه اصلاحی می‌کند. درحقیقت نهاد اجرای مجازات در نظام کیفی ایران در صورتی جزء برنامه‌های جایگزین حبس، نه

به‌عنوان جایگزین واقعی و کیفر مستقل بلکه جایگزین در معنای موسع آن، به حساب می‌آید که همراه با تدابیر نظارتی باشد. چون، در غیر این صورت، فلسفه چنین نهادی (بازسازی مجرم و اصلاح او) که از اهداف برنامه‌های جایگزین حبس نیز است، زیر سؤال خواهد رفت. بدین ترتیب، فقدان تدابیر نظارتی باعث می‌شود که نتوان از این نهاد به‌عنوان جایگزین واقعی حبس در نظام کیفری ایران یاد کرد، هرچند مقصود قانونگذار از وضع آن، عدم اجرای مجازات‌ها به‌ویژه حبس در جهت کاهش جمعیت زندان و بازسازی مجرم باشد، بر همین اساس قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کنترل و تدابیر نظارتی را تحت عنوان تعلیق مراقبتی مقرر کرده است.

۳-۱-۱. جزای نقدی

جزای نقدی در زمره مجازات‌های مالی^۱ است که گاه به صورت مجازات اصلی (ماده ۵۴۱) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) و گاه به صورت مجازات تکمیلی یا تمیمی اجباری (ماده ۷۰۷) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) یا اختیاری (ماده ۷۰۸) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات) مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. جزای نقدی دارای آثار است که یکی از آنها نقش جایگزینی آن است، به عبارت دیگر، این مجازات یکی از برنامه‌های جایگزین مجازات حبس - چه به شکل مستقل و چه به شکل مجازات مبدل - در اکثر کشورها (از جمله ایران) مورد استفاده قرار می‌گیرد. جزای نقدی عبارت است از «محکومیت به تأدیه مبلغی وجه نقد به‌عنوان مجازات به خزانه دولت» (همان: ۹۱؛ ملک‌اسماعیلی، ۱۳۵۵: ۱۶۴).

درخصوص سابقه تاریخی تبدیل زندان به جزای نقدی، از همان ابتدای تدوین قانونگذاری در ایران، مقرراتی در این زمینه وجود داشته است. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: قانون امکان تبدیل حبس در امور جنایی و حبسی^۲ که مدت آن دو ماه یا کمتر است به جزای نقدی مصوب ۱۳۰۷، ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مصوب

1. Punishment, Pecuniary

2. Criminal Affairs and Custodial

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۶۵

۱۳۷۰، ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مواد (۳، ۴ و ۵) قانون مجازات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ اشاره کرد.

مشکلاتی که در اجرای جزای نقدی پیش می‌آید - از جمله این مسئله که محکوم‌علیه در صورت عجز از پرداخت آن روانه زندان می‌شود - باعث شده که این مجازات اثر خود را به‌عنوان یک مجازات سنتی از یک سو و به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، از سوی دیگر از دست بدهد. به عبارت دیگر، پیش‌بینی بازداشت موقت در ازای عجز از پرداخت نقدی با منظور اصلی قانونگذار - یعنی، اجتناب از مجازات حبس کوتاه مدت و آثار و عواقب زیان بار آن - و در نتیجه با قوانینی مثل قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، مغایرت و منافات دارد. بنابراین، برای جلوگیری از چنین مشکلاتی بهتر است راهکارهای دیگری مثل جزای نقدی روزانه^۱ یا تقسیط جزای نقدی را پیش‌بینی و تقویت کرد.

۲-۱. گونه‌های نوین جایگزین حبس

این دسته از تدابیر شامل جایگزین‌هایی می‌شوند که در چند دهه اخیر در نظام‌های حقوقی دنیا مطرح شده‌اند و در مقررات جزایی ایران نیز از اعتبار قانونی برخوردارند، مهم‌ترین گونه‌های نوین جایگزین حبس مطابق لایحه مجازات‌های اجتماعی که برای اولین بار در حقوق ایران مطرح شد، عبارت‌اند از: محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عام‌المنفعه (اجتماع‌محور)، دوره مراقبت^۲ و جریمه روزانه. همان‌طور که مقرر شد گونه‌های نوین جایگزین حبس مطابق لایحه مزبور چهار نوع است که این تعداد در قانون مجازات اسلامی مطابق ماده (۶۴) قانون مجازات اسلامی به پنج فزونی یافت. چرا که مقنن جزای نقدی را هم به این موارد افزود، حال با توجه به شرحی که نسبت به گونه‌های سنتی جایگزین حبس گذشت جزای نقدی را باید جزء گونه اخیرالذکر دانست. قانونگذار جزایی ایران فصل نهم قانون مجازات اسلامی را تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس مطرح کرده است و در ماده (۶۴) علاوه بر ذکر گونه‌های جایگزین حبس شرایطی را نیز مقرر کرده که با لحاظ

1. Daily Punishment Pecuniary

2. Period of Attentiveness

قرار دادن آنها مبادرت به تعیین و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده.

۱-۲-۱. دوره مراقبت

دوره مراقبت را قانونگذار این چنین تعریف کرده است: «دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه.

ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال.

پ) در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال.

ت) در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار

سال» (ماده (۸۳) قانون مجازات اسلامی).

درحقیقت تدابیر و دستوراتی که برای اعمال تعویق مراقبتی در مواد (۴۲ و ۴۳) قانون مجازات اسلامی مقرر شده در این دوره نیز به اجرا درمی‌آید. تدابیری که برای فرد در این دوره در نظر گرفته می‌شود معمولاً بر دو نوعند: ۱. تدابیر عام که برای همه مجرمان صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی تعیین می‌شود که در بندهای «الف» تا «ت» ماده (۴۲) به آن اشاره شده است. ۲. تدابیر خاص که برای مجرمان خاص جهت برآوردن نیازهای خاص آنها برای مقاصد بازپروری و محافظت از جامعه تعیین می‌شود. این نوع تدابیر معمولاً برای مجرمانی در نظر گرفته می‌شود که به دلیل نیازهای روانی یا جسمی خاصی که دارند در دام ارتکاب جرم می‌افتند، مانند مجرمان جنسی^۱ سابقه‌دار و مجرمان دارای اختلالات روانی.^۲ برای این مجرمان دستوراتی خاص جهت برآوردن این نیازها یا پرهیز از برخی شرایط و محیط‌های تحریک‌آمیز در نظر گرفته می‌شود. از جمله این دستورات می‌توان به دستور مراجعه مداوم و مستمر برای

1. Sex Offenders

2. Offenders With Mental Disorders

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۶۷

گرفتن مشاوره از روان‌پزشک یا روان‌کاوا اشاره کرد. به تدابیر خاص در تبصره ماده (۴۲) اشاره شده است (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۳۹). در مدت زمانی که محکوم علیه تحت مراقبت است باید از دستورات مندرج در ذیل ماده (۴۳)، به انتخاب دادگاه که اغلب جنبه آموزشی، درمانی و بازدارندگی دارد نیز تبعیت کند. شیوه نظارت و مراقبت بستگی به موقعیت اجتماعی محکوم علیه و مقتضیات اجرای دستورهای دادگاه دارد؛ ممکن است محکوم علیه موظف باشد در زمان و مکان تعیین شده، خود را به مقامات قضایی یا اجرایی معرفی کند و یا در جلسات مشاوره شرکت کند و یا با بازدید از منزل یا محل کار که مأموران آموزش دیده انجام می‌دهند به این مراقبت تن دردهد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۶۲).

۲-۲-۱. کار عام‌المنفعه یا خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی «خدماتی هستند که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به دستور دادگاه به نفع جامعه انجام می‌دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن توانایی، سن، توانایی جسمانی، روانی و مهارت شخص، به انجام خدمات عمومی حکم می‌دهد» (ماده (۱۶) لایحه مجازات‌های اجتماعی).

خدمات عمومی یا کار «عام‌المنفعه» نهادی است که به موجب آن، دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند که با انجام کاری که به نفع جامعه باشد، درصدد جبران خطای ارتكابی خود باشد، درواقع این امر از بازداشت و زندانی شخصی جلوگیری کرده، دارای بار مثبت مالی بوده، به نفع جامعه است و به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به عبارت بهتر، این نهاد از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و هدف جبران خسارت از بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده جامعه به وسیله او از طریق انجام خدمات عمومی مورد حکم قرار می‌گیرد. این امر چون برای مجرم محدودیت‌هایی در بردارد، باید با رضایت شخص صورت گیرد، تبصره ماده (۱۶) لایحه اشعار می‌دارد: «رضایت محکوم علیه به انجام خدمات عمومی و نوع خدمت ضروری است.» بنابراین هدف از کارهای عام‌المنفعه، فراهم کردن یک مجازات اجتماعی سودمند است که می‌تواند باعث افزایش احتمال اصلاح

مجرم، کاهش خطر تکرار جرم، تنبیه مجرم از طریق کار، جبران خسارت از طریق کاری که به نفع جامعه است، منتفع کردن جامعه با انجام کارهایی که به شکل دیگری امکان پذیر نیست، کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و کاهش هزینه‌ها شود.

امروزه این تدبیر از طریق دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌شود تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان درصدد جبران خطای مرتکب شده برآید. هدف این نهاد را که به بازپذیری فرد کمک می‌کند از طرق ذیل ممکن دانسته‌اند: ۱. اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان، ۲. تضمین لازم جهت جبران خسارت و ترمیم اجتماعی یا انجام کار به وسیله مجرم (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۷).

تدبیر مزبور هرچند کیفری جایگزین حبس است، اما کیفری قراردادی است که به رضایت محکوم علیه بستگی دارد. این رضایت تا اندازه‌ای بسیار، موفقیت در اجرای حکم را تضمین می‌کند. به یک مفهوم، محکوم علیه متحمل کیفر نمی‌شود، بلکه با رضایت آن را می‌پذیرد. بر پایه قرارداد، محکوم علیه آگاهانه متعهد به انجام کاری مفید می‌شود و از انسانی منفعل به انسانی فعال بدل می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۳). درحقیقت نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبود بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت زندان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام‌المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند. انواع کارهای عام‌المنفعه عبارت‌اند از: ۱. کار در بیمارستان و آسایشگاه سالمندان، ۲. شرکت در کاوش‌های باستانی، ۳. کارهای ساختمانی، ۴. شرکت در کلاس‌های آموزشی، فنی و حرفه‌ای، راهنمایی و رانندگی و بهداشتی، ۵. پاک‌سازی بزرگراه‌ها، پارک‌ها یا اماکن تفریحی یا هر کاری که به سود جامعه باشد. در لایحه پیشنهادی مجلس موارد فوق مشخص نشده و موضوع آن به آیین‌نامه واگذار شده است. ماده (۲۱) لایحه مجازات‌های اجتماعی مقرر می‌دارد: «فهرست مؤسسه‌ها و نهادهای پذیرنده محکومان به انجام خدمات عمومی، چگونگی همکاری آنان با قاضی اجرای مجازات، کیفیت خدمات عمومی که

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۶۹

محکوم علیه انجام می‌دهد و چگونگی نظارت بر آن مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب قوه قضائیه می‌رسد». دادگاه نمی‌تواند محکوم علیه را به بیش از یک خدمت عمومی مشغول کند (تبصره «۳» ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی). در اجرا، اگر وضع جسمانی محکوم علیه اجازه ندهد و یا به خدمات پزشکی نیاز پیدا کند و یا به دلایل خانوادگی از ادامه کار باز ماند، قاضی اجرای احکام می‌تواند به‌طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، انجام خدمات عمومی را تعلیق کند یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد (تبصره «۴» ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی). درهرحال، نحوه تنظیم ساعات اشتغال به خدمات عمومی در روز نباید مانع امرارمعاش متعارف محکوم علیه شود (تبصره «۱» ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی). درمجموع در سطح بین‌المللی ثابت شده است که کار عام‌المنفعه به‌عنوان شیوه‌ای کارآمد و مقرون‌به‌صرفه نسبت به مجرمان، می‌تواند سودمند و مؤثر باشد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۲).

۳-۲-۱. جزای نقدی روزانه

یکی از حرکت‌های جدید برای مؤثرتر و عادلانه‌تر کردن جریمه‌های نقدی با توجه به مشکلات ناشی از جزای نقدی از جمله حبس محکوم علیه در صورت عجز از پرداخت آنکه از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران ابداع شده، جریمه‌های روزانه است.^۱ این جریمه‌ها به دلیل آنکه میزان آن با درآمد روزانه مجرم در ارتباط است جریمه روزانه نامیده می‌شود و عبارت است از: پرداخت روزانه مبلغی پول به دولت به‌عنوان مجازات که با شدت جرم ارتكابی و میزان درآمد روزانه مجرم ارتباط و پیوستگی دارد (همان: ۳۸۳). میزان این جریمه‌ها در دو مرحله مشخص می‌شود. در مرحله اول، قاضی برحسب نوع و اهمیت جرم، تعداد روزهای پرداخت جریمه را مشخص می‌کند و در مرحله دوم، قاضی به تناسب درآمد مجرم، مبلغ جریمه روزانه را تعیین می‌کند (ماده (۲۲) لایحه مجازات‌های اجتماعی). با این تعریف جزای نقدی روزانه جلوه بارزی از رعایت اصل فردی کردن مجازات است (شمس

۱. برای اطلاع بیشتر از مفهوم، سابقه تاریخی، اهداف، فواید، شرایط اعطا و نحوه اجرای جریمه روزانه؛ ر.ک: حسن حاجی تبار

فیروزجائی (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ص ۱۵۳-۱۴۸.

ناتری، ۱۳۹۲: ۱۹۸). از یک طرف، تحقیق پیرامون وضع مالی محکوم علیه به دادگاه اجازه می‌دهد تا توانایی او را در پرداخت جزای نقدی و اطمینان از وصول آن بسنجد و از طرف دیگر در اجرا بدون آنکه محکوم علیه از بقیه عواید روزانه خود محروم شود بتواند همه ماهه بخشی از اندوخته خود را به خزانه دولت بپردازد. قانونگذار در ماده (۸۵) قانون مجازات اسلامی به این تأسیس پرداخته و این گونه مقرر داشته: جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد: الف) جرائم موضوع بند «الف» ماده (۸۳) تا یکصد و هشتاد روز، ب) جرائم موضوع بند «ب» ماده (۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز، ج) جرائم موضوع بند «پ» ماده (۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز، د) جرائم موضوع بند «ت» ماده (۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز. تبصره: «محکوم موظف است در پایان هر ماه، ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید».

۴-۲-۱. محرومیت از حقوق اجتماعی

منظور از حقوق اجتماعی عبارت است از «حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد» (تبصره «۱» ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی منصوب ۱۳۷۰ الحاقی ۱۳۷۷/۲/۲۷) مانند: حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای و غیره.

مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی^۱ از ابتکارات جدید است که در برخی کشورها به کار گرفته شده و قاعده ۲۰۸ قواعد حداقل ملل متحد راجع به تدابیر غیرسالب آزادی (قواعد توکیو مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰) آنها را به عنوان تدابیری که می‌توانند

۱. برای اطلاع بیشتر از مفهوم محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس و تعریف، انواع و اقسام آن و غیره ر.ک: ابوالفتح خالقی (۱۳۸۰). «جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

به‌عنوان جایگزین مجازات حبس به کار گرفته شود به دولت‌های عضو پیشنهاد می‌کند. محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری نوعی منع قانونی است که شخص به موجب آن صلاحیت و شایستگی اعمال حقوق خودش را از دست می‌دهد. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی شامل مجازات‌های محدودکننده آزادی یا سلب حقوق شغلی و محرومیت از خدمات عمومی^۱ می‌شود. این مجازات تابع اصول حاکم بر مجازات‌هاست و از اهدافی مانند پیشگیری از جرم، اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها و اجتناب از مجازات حبس پیروی می‌کند.

۵-۲-۱. اقامت در منزل^۲

اقامت در منزل که گاه به بازداشت یا حبس خانگی از آن یاد می‌کنند، عبارت است از: یک سلسله ضمانت اجراهای محدودکننده که از تحمیل منع رفت و آمد شبانه تا حبس در منزل، در ساعت‌های غیرکاری مجرم را دربرمی‌گیرد. مفهوم حبس خانگی ایجاب می‌کند که مجرم محکوم شده، مدت بسیاری از اوقات خود را در خانه‌هایشان به‌عنوان جایگزین مجازات زندان بگذرانند و مأموران نظارتی بر آنها نظارت کنند. در واقع ضمانت اجرای بینابینی است توأم با نظارت، ولی نظارتی بیش از تعلیق مراقبتی و کمتر از حبس. از دیدگاه اجتماعی، مزایای فراوانی برای اقامت در منزل به‌عنوان جایگزین حبس برشمرده‌اند. مهم‌ترین مزیت آن دوری از آثار مخرب حبس و حفظ روابط و پیوندهای اجتماعی محکوم‌علیه با خانواده، دوستان و سایر گروه‌های اجتماعی است. ولی مانند هر ضمانت اجرای دیگری عاری از عیب نیست چون اقامت در منزل عموماً به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که هر زمان بتوان از رفت و آمد محکوم‌علیه و حضور او در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند با خبر شد، بیم آن می‌رود که نظارت‌های فزاینده جنبه مداخله جویی پیدا کند

۱. منظور از بهره‌مندی از خدمات عمومی به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق اجتماعی عبارت است از «خدماتی که زیر نظر دولت و یا مستقیماً به‌وسیله او برای ارضای حوائجی که نفع عموم را دربردارند انجام می‌شود»، نظیر خدمات مربوط به توزیع آب، برق و غیره. ر.ک: عبدالحمید ابوالحمد (۱۳۵۱). *حقوق اداری، سازمان‌های اداری ایران*، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶.

افزون بر آن اقامت در منزل را نمی‌توان در مورد افراد بی‌سرپناه که بسیار هم آسیب‌پذیر به اجرا گذاشت. نظارت الکترونیکی یکی از پیشرفته‌ترین نظارت‌هایی است که در این راستا قابلیت به کارگیری آن وجود دارد و به منزله یک اختراع و ابداع برجسته کیفری در پایان دهه (۱۹۸۰) به اجرا درآمد و با گسترش و پیشرفت الکترونیکی گسترش یافت به طوری که امروزه در موارد زیادی در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۱).

نظارت الکترونیکی به معنای کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است (محمد نسل، ۱۳۸۴: ۱۲) که در حقوق کیفری ایران بی‌سابقه است و اولین بار در لوایح قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شد و این مورد از نوآوری‌های قانون جدید است. نظارت الکترونیکی واجد اهمیت دوگانه بوده و نمی‌توان آن را صرفاً دارای جنبه سرکوبگرانه یا اصلاحی و درمانی دانست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۴۵). مهم‌ترین اهدافی که برای به کارگیری این شیوه نوین کیفری عنوان می‌شود، کاستن از جمعیت کیفری زندان، ارزان‌سازی مجازات‌ها و پیشگیری از وقوع پذیرش فرهنگ زندان است (غلامی، ۱۳۸۰: ۹۹) و همچنین ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید، مجازات مجرم و بازپروری مجرمان جهت زیستن در جامعه به جای زندان (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۱).

اساساً دو نوع نظارت الکترونیکی وجود دارد: ۱. نظارت الکترونیکی منفعل که در این نوع نظارت، فرستنده‌ای به بدن (یک مچ‌بند به دست یا مچ پای او) و یک شماره‌گیر به تلفن وصل می‌شود و اگر محکوم محل را ترک کند، علامت قطع می‌شود و شماره‌گیر تلفن به طور اتوماتیک با اداره مربوط تماس برقرار می‌کند. چون شخص محکوم مکلف به پاسخ‌گویی به تلفن است، عدم پاسخ‌گویی، خروج وی را از محل نشان می‌دهد (محمد نسل، ۱۳۸۴: ۱۲۰). ۲. نظارت الکترونیکی فعال، این نوع نظارت متضمن برقراری تماس تلفنی مستمر و غالباً اتفاقی با منزل مجرم است که این ارتباط تلفنی ممکن است به طور اتوماتیک توسط دستگاه صورت گیرد و یا شخصاً توسط مأمور مربوط انجام شود (همان: ۱۲۱).

بدین ترتیب مجرم پیوسته تحت کنترل است و فقط حق رفتن سر کار یا شرکت در برخی فعالیت‌های شخصی را دارد در بقیه اوقات در منزل زندانی می‌باشد و رفت آمدش پیوسته

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۷۳

نظارت می‌شود در واقع نظارت الکترونیکی به‌عنوان ضمانت اجرای جایگزین‌های زندان، همراه با آن ضمانت اجراها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند حبس در منزل با نظارت الکترونیکی یا تعلیق مراقبتی فشرده با مراقبت الکترونیکی. قانون مجازات اسلامی نیز اقامت در منزل را هم به‌عنوان جایگزین نگهداری (حبس) و هم جزای نقدی تعیین کرده و تصمیم درباره طول مدت آن را با توجه به وضع متهم جرم ارتكابی از سه ماه تا پنج سال در اختیار دادگاه نهاده است (تبصره «۲» ماده (۸۹) قانون مجازات اسلامی).

۶-۲-۱. نگهداری در روزهای پایان هفته

در این شیوه از نگهداری (بازداشت)، محکوم علیه موظف است در روزهای پایانی هر هفته برای گذراندن مجازات، خود را به مقامات کانون اصلاح و تربیت معرفی کند. دو روز آخر هفته (پنجشنبه و جمعه) روزهایی که قانونگذار تعیین کرده (تبصره «۲» ماده (۸۹) قانون مجازات اسلامی)، با این فرض در قانون آمده است که نوجوان بزهکار در روزهای دیگر هفته به کار و یا تحصیل اشتغال دارد. بنابراین، نوجوان بیکار و بی‌سرپناه باید به همان مجازات‌های سنتی (حبس در تمام روزهای هفته و یا جزای نقدی) تن دردهد، مگر آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی تعزیر درجه پنج باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند او را به انجام خدمات عمومی رایگان محکوم کند. نگهداری در روزهای پایانی هفته اگر با نظارت بر رفتار نوجوان بزهکار در بقیه روزهای هفته همراه نباشد بی‌ثمر خواهد بود. خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای نظارتی است. ولی کانون خانواده نیز اگر محیطی امن نباشد آرامش و انضباط مؤسسات تربیتی به آن ترجیح دارد. قانونگذار تعمداً از به‌کار بردن واژه حبس در مورد نوجوانان بزهکار پرهیز کرده تا وضعیت سخت و نابسامان زندان‌ها را در خاطر تداعی نکند. برای این منظور همه‌جا در قانون از واژه «نگهداری» یاد کرده تا صرفاً محدودیت‌های یک مؤسسه تربیتی را نشان دهد از این رو شاید نتوان نگهداری در دو روز آخر هفته را به معنی واقعی کلمه جایگزین حبس تلقی کرد مگر آنکه برای آزادی توأم با نظارت در محیط‌هایی مانند خانواده یا خانواده جانشین بتوان در پنج روز دیگر هفته امتیازهایی در مقایسه با محیط بسته مؤسسات تربیتی قائل شد که در این صورت جایگزینی

مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مصداق پیدا می‌کند. این امتیاز هم چنانکه در خصوص اقامت در منزل یادآوری کردیم همانا حفظ علایق و پیوندهای اجتماعی نوجوان است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۶۷).

۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به طور کلی، براساس مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در بیشتر کشورها و حتی ایران مجازات حبس در تحقق رسالت‌ها و اهدافش موفق نبوده است. یکی از انگیزه‌های تدوین و تنظیم مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس نشئت پذیرفته از همین امر بوده است. زیرا آمارها نشان می‌دهد که قسمتی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم (کسانی که پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم مستوجب حبس شده‌اند) تشکیل می‌دهند. از این جهت، به علت برخی مشکلات و معایب وارده بر مجازات حبس و ساختار اجرایی آن، استفاده وسیع از این مجازات در غالب موارد به عنوان یک اصل در مجموعه قوانین و مقررات جزائی و حتی در رویه دادگاه‌ها در ایران غیرضروری و نامناسب به نظر می‌رسد و فقط باید از مجازات حبس به عنوان یک ضمانت اجرای استثنائی استفاده شود.

همچنین آمارها و مطالعات صورت گرفته در کشورهای مختلف بیانگر این مطلب هستند که مجازات‌های جایگزین حبس در قیاس با خود مجازات حبس در تحقق اهدافشان موفق‌ترند. زیرا نه تنها پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین می‌تواند موجب تنوع بیشتر ضمانت اجراها و در نتیجه اجرای عدالت شوند، اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرم را بیشتر فراهم می‌کنند. در حقوق کیفری ایران، اگرچه تدابیری تحت عنوان جایگزین‌های مجازات حبس و حتی دوری از آن از اولین دوره‌های قانونگذاری پیش‌بینی شده است، اما این تدابیر از انسجام کافی برخوردار نبوده و برای نهادینه ساختن آن در نظام عدالت کیفری ایران سیاست جنائی مشخصی دیده نمی‌شد. این تدابیر در حقوق کیفری ایران محدود بود و تنها شامل برخی نظیر تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و نیز جزای نقدی می‌شد. اما در قانون مجازات اسلامی که به‌تازگی تصویب شده است، جایگزین‌های مجازات حبس با تأثیرپذیری از فقه اسلامی و حقوق

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۷۵

تطبیقی و همچنین با تأثیرپذیری از اسناد بین‌المللی به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. بدین‌نحو که تدابیر آن به دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه افزایش یافت که این امر تنوع بیشتری به این سیاست بخشید و در رعایت تناسب و فردی کردن مجازات مساعدت بیشتری می‌کند و نکته دیگر آن که راهکارهای نظارتی و مراقبتی و نیز نهادهای مشخص با مأموران ویژه و دارای اختیارات معین برای اجرای این تدابیر پیش‌بینی شد.

گفتنی است قوه قضائیه و سایر نهادهای مسئول اعم از قضائی و اجرایی باید زمینه و بستر مناسب و مفید را از طریق فرهنگ‌سازی به‌عنوان نمونه، توجیه و تبیین برنامه‌های جایگزین حبس برای قضات از طریق برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی، آگاه ساختن مردم از معایب زندان و نتایج فایده‌مند نهادهای جایگزین حبس را از طریق تهیه فیلم و برنامه‌های تلویزیونی و غیره فراهم کنند. از آنجا که اعمال بسیاری از تدابیر جایگزین حبس مانند خدمات اجتماع‌محور نیازمند مشارکت و همکاری مردم و نهادهای جامعه است، فرهنگ‌سازی را باید مهم‌ترین شرط لازم برای تضمین موفقیت برنامه‌های جایگزین تلقی نکرد.

منابع و مآخذ

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش.
۲. _____ (۱۳۸۶). «جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳. _____ (۱۳۸۱). گزارش «همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۸.
۴. آنسل، مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۱). حقوق اداری، سازمان‌های اداری ایران، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۲-۱۳۷۱). «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۱-۱۲.
۷. _____ (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۸. _____ (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ بیستم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۹. _____ (بی‌تا). «نقش زندان در بازگشت به زندگی شرافتمندانه»، مصاحبه با مجله امنیت، ش ۸.
۱۰. پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۳). «مجازات‌های جایگزین حبس»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۶.
۱۲. _____ (۱۳۸۱). «میزگرد واریسی جایگزین‌های مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۸.
۱۳. حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
۱۴. خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰). «جایگاه قانونی و عملی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به‌عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. ریاحی، جواد (۱۳۹۲). «مبانی مجازات‌های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام»، رساله دکتری، پردیس قم دانشگاه تهران.

جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت ... _____ ۲۷۷

۱۶. شمس‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، ج ۱، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۱۷. صانعی، پرویز (۱۳۸۲). *حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، تهران، طرح نو.

۱۸. صفاری، علی (۱۳۸۴). «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، مجموعه مقالات علوم جنایی، ج ۲، تهران، انتشارات سلسبیل.

۱۹. _____ (۱۳۸۶). *کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)*، تهران، انتشارات جنگل.

۲۰. _____ (نیمسال اول ۸۶-۸۵). «تقریرات کیفرشناسی»، دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

۲۱. عظیمی، سیدمیثم و حسن عبدالله‌زاده (۱۳۹۱). «گستره فقهی - حقوقی نظارت و مراقبت الکترونیکی بر مجرمین در حقوق کیفری»، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال پنجم، ش ۱۹.

۲۲. غلامی، حسین (۱۳۸۰). «ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۵.

۲۳. قنبری، عطاءاله (۱۳۷۶). «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۲۴. کارمزدی، عبدالکریم (۱۳۷۶). «آزادی مشروط»، مجله ددرسی، ش ۱.

۲۵. کواشی‌هامایی، رنویه، روبرت هاریس، مایک‌های و او کلیاساز ویک (۱۳۷۶). *تعلیق مراقبتی در دنیا (پژوهشی تطبیقی)*، ترجمه حسین آقایی‌نیا، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۲۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، چاپ دهم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۲۷. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۲). «نارسایی‌های زندان»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۹ و ۱۰.

۲۸. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۴). «نظارت الکترونیکی بر بزهکاران»، فصلنامه دانش انتظامی، ش ۱.

۲۹. مداح‌پور، الهه (۱۳۸۶). «سیر تحول تاریخی زندان»، مجله اصلاح و تربیت، ش ۷۰.

۳۰. معظمی، شهلا (۱۳۸۶). «جانشین‌های مجازات زندان برای زنان»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۳۱. ملک‌اسماعیلی، عزیزاله (۱۳۵۵). *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۲. منصورآبادی، عباس (۱۳۸۶). «زندان: راه حل یا مشکل»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). *کیفرهای جامعه مدار*، دیپاچه در: *کیفرشناسی*، برنار بولک، چاپ چهارم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳۴. _____ (۱۳۷۷). «تلاش های بین المللی و قانونگذاری ایران برای تمدید موارد اعمال مجازات سالب آزادی»، *فصلنامه مدرس (علوم انسانی)*، ش ۹.
۳۵. _____ (۱۳۸۱). *تقریرات علوم جنایی*، به کوشش مهرداد رایجیان اصلی و شهرام ابراهیمی، ج ۱، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۶. _____ (۱۳۸۶). «مجازات های جامعه مدار در لایحه قانون مجازات های اجتماعی جایگزین زندان، راهکاری برای کاهش جمعیت زندان»، *مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۷. _____ (۱۳۸۹). «حقوق کیفری عمومی»، *مجله قضاوت*، ش ۶۷.
۳۸. نوربها، رضا (۱۳۷۷). *نگاهی به قانون مجازات اسلامی*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۳۹. _____ (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی*، چاپ دوازدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، نشر دادآفرین.
۴۰. هاشمی شاهرودی، آیت ا... سید محمود (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راهکارهای جایگزین حبس*، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۴۱. هفته نامه پیک زندان (۱۳۸۱). «چرا به روش های جایگزین نیاز داریم»، ش ۱۳۶.
۴۲. ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۹). «نقش تعدیل کننده تعلیق مراقبتی به عنوان کیفر جایگزین زندان»، *ماهنامه دادرسی*، سال چهارم، ش ۲۳.